

اسباب اختلاف الحدیث

○ سید حسن فاطمی

اسباب اختلاف الحدیث، محمد احسانی فر لنگرودی، قم، مؤسسه فرهنگی
دارالحدیث، چاپ اول، ۱۳۸۵، ۷۲۸ ص، وزیری، عربی.

با توجه به وجود تنافی و اختلاف در احادیث، اجتهاد و استنباط از این منبع فیاض و بهره‌مندی درست و وسیع از تعالیم ناب و معارف آن، جز با شناخت گونه‌های اختلاف و علاج آنها میسر نیست. بسا ناآشنایان به حدیث، در کشاکش احادیث متنافی دچار سردرگمی یا انحراف در عقیده و عمل گردند. اهمیت اختلاف حدیث به قدری است که از قرن نخست اسلام، مورد توجه صحابه و تابعان قرار گرفت و رفته رفته، به صورت دانشی از منظومه علوم حدیث با عنوان «مختلف الحدیث» یا «اختلاف الحدیث» در آمد.

این مهم، حجت الاسلام والمسلمین محمد احسانی فر را بر آن داشت که کتاب ارزشمند اسباب اختلاف الحدیث را به نگارش در آورد. نظر به کم‌مانندی این اثر در نوع خود، آن را به تفصیل معرفی می‌کنیم:

برخی ویژگیهای کتاب

یک. مؤلف در خلال تدریس خارج فقه، در برخورد با روایات متنافی، ضمن علاج اختلافشان، آنها را با هدف استفاده‌های علمی - نه با هدف تألیف به اختصار یادداشت می‌کرده است. تا اینکه پس از گذشت بیش از یک دهه کاوش فقهی، در کنار پژوهش در احادیث تفسیری و اعتقادی، آهنگ تألیف در موضوع یاد شده می‌کند و در مدت چهار سال، ضمن تنظیم یادداشتها، به تألیف و تکمیل این اثر پرداخته است.

دو. از دیر زمان تاکنون، در موضوع اختلاف احادیث و چاره‌جویی و علاج آنها کتابهای متعددی نگاشته شده است. تفاوت اساسی این کتاب با کارهای گذشته آن است که در آنها بحث مختلف الحدیث تنها با رویکرد تطبیقی انجام گرفته است و صرفاً احادیث متنافی را گرد آوری، به علاج اختلاف پرداخته‌اند. اما ویژگیهایی، این اثر را از دیگر تألیفات پیشین متمایز می‌سازد، از جمله:

۱. شناسایی گونه‌های اسباب اختلاف حدیث و جای دادن آنها در دستجاتی که نوع و خاستگاه اختلاف و طرق علاج آن را در هر سبب، روشن می‌نماید.
۲. یافتن نمونه‌های روشن برای هر سبب و ارائه مباحث نظری مناسب، جهت تبیین ماهیت و ویژگیهای هر سبب و چگونگی تاثیر آن در پیدایش تنافی در مدلول احادیث و شیوه علاج اختلاف و احیاناً مباحث موضوعی مرتبط با سببها و مثالها.
۳. بهره‌گیری از دو نگاه ثبوتی و اثباتی در علاج احادیث متنافی. مؤلف علاوه بر تبیین این دو منهج حدیث پژوهی در مقدمه کتاب (ص ۳۹ به بعد) در مقاله‌ای مستقل، به تفصیل آنها را تبیین کرده است.^۱

۴. شناسایی بیش از هشتاد سبب از عوامل تنافی احادیث. پیش از این، مجموع اسباب کلی که شناسایی شده، از پانزده سبب تجاوز نمی‌کرد، آن هم نوعاً بدون ذکر مثال

۱. ر. ک: مقاله «دو رویکرد ثبوتی و اثباتی در نقد حدیث»، محمد احسانی فر لنگرودی، مجله علمی پژوهشی علوم حدیث، سال دهم، ش ۳۸.

و تحلیل و در لابه لای مباحث علم اصول و کتب مربوط به آن.^۲

۵. عمده‌ها مثالها جهت تبیین اسباب اختلاف، از یافته‌های نویسنده است. بنابراین، بخش عمده این کتاب را نوآوریها و تحلیلهای جدید تشکیل داده است. سه. در این اثر حدود ۶۵۰ حدیث آورده شده و حدود ۱۸۰ مثال از احادیث متنافی، مورد بحث و تحلیل و علاج تنافی قرار گرفته است. مباحث به گونه‌ای ارائه شده که مخاطب با مطالعه کتاب، بر شناسایی دیگر گونه‌های اسباب اختلاف حدیث و طرق علاج آنها توانایی می‌یابد.

چهار. در بحث تعارض ادله در علم اصول، تنها با رویکرد اثباتی به علاج اختلاف در احادیث می‌پردازند؛ اما این اثر با نگاه فقه الحدیث بحث می‌کند و مؤلف خود را موظف می‌بیند که نگاه ثبوتی را در کنار نگاه اثباتی، مورد توجه قرار دهد.

پنج. نویسنده کوشیده است، حتی المقدور بسیاری از احادیث مشکل را که به نحوی ممکن بود از منظر مختلف الحدیث نیز مطرح شود، در ذیل سببی بیاورد و به تفسیر و حل آن پردازد. از این رو این کتاب در راستای مشکل الحدیث نیز در خور ملاحظه است.

شش. از دیگر ویژگیهای این اثر، نشر عربی روان و عنوان دهی و تبویب و هندسه مطلوب و سهل الوصول بودن آن است.

کتاب با مقدمه‌ای نسبتاً مبسوط آغاز می‌شود و هشتاد سبب در ضمن پنج بخش سامان یافته‌اند. نگاهی گذرا به برخی مباحث مقدمه و بخشهای پنج گانه کتاب می‌افکنیم و توضیح بیشتر را به مراجعه به کتاب وامی‌نهیم:

مقدمه کتاب

در مقدمه این مطالب به چشم می‌خورند:

۱. تعریف اختلاف الحدیث؛ نویسنده با نقل دیدگاه چند تن از صاحب نظران در

۲. از قرار مسموع، آیه‌الله العظمی سیستانی تالیف مستقلاً در اسباب اختلاف حدیث دارد که حدود هشتاد صفحه است؛ لیکن معظم‌له هنوز اجازه انتشار آن را نداده است.

مورد اصطلاح «مختلف الحديث» برخی را مورد نقد قرار می دهد.

۲. موقع مختلف الحديث من علومه؛ می کوشد، جایگاه «مختلف الحديث» را در منظومه علوم حدیث نمایان سازد. بدین منظور مفهوم اصطلاحات «روایة الحديث»، «الدراية»، «الرجال»، «غریب الحديث»، «مشکل الحديث» و «فقه الحديث» را تبیین می نماید.

همچنین تفاوت‌های صوری و اساسی «اختلاف الحديث» را با مبحث اصولی «تعارض الأدله» بر می شمارد.

۳. صور الاختلاف بوجه کلی؛ در این قسمت گونه‌های اختلاف روایات و تقسیمات آنها با اعتبارات مختلف، بیان می گردد؛ نیز ماهیت و مقتضیات هر یک از: اختلاف صوری و اختلاف جدی، اختلاف بدوی و اختلاف مستقر، نیز اختلاف ذاتی و اختلاف بالعرض و یا اختلاف در یک حدیث (تفاوت صدر و ذیل) و مانند اینها بیان می گردد.

۴. اختلاف الحديث نشأة و تدویناً؛ زمینه‌ها و منشأ اختلاف احادیث، دروغ بستن به پیامبر (ص) در حیات ایشان و چاره جویی آن حضرت در اختلاف احادیث، از موضوعاتی هستند که در این قسمت به آنها پرداخته شده است.

۵. أوّل من تكلم في مختلف الحديث؛ امام علی (ع) نخستین کسی است که در مورد اسباب اختلاف روایات، به صورت موضوعی و به تفصیل سخن گفته است.^۳ از امامان دیگر نیز احادیث فراوان در باره اختلاف حدیث و طرق چاره جویی رسیده است.

۶. السابقون بالتالیف في مختلف الحديث؛ جمعی از مؤلفان اهل سنت می پندارند که نخستین کتاب در موضوع مختلف الحديث، توسط محمد بن ادریس شافعی (م ۲۰۴) تألیف یافته است؛ اما نویسنده با تحقیقی تاریخی نشان می دهد که کتاب اختلاف الحديث و مسائله عن ابي الحسن موسى بن جعفر (ع) در دوره پیش از زندان امام (ع)، توسط فقیه و محدث نامور شیعی، یونس بن عبدالرحمان تدوین یافته و آن نخستین اثری است که تا به

۳. ر. ک: کافی، ج ۱، ص ۵۹، ح ۷۱؛ وسائل الشیعه، ج ۲۷، ۱۰۶-۱۲۴؛ بحار الانوار، ج ۲،

حال شناسایی شده است. ۴

۷. رأی السابقين في أسباب الاختلاف؛ مؤلف، کتابی مستقل در مورد اسباب کلی اختلاف حدیث، نیافته است، بلکه پیش از این، استطراداً و بدون استقصای کافی به پاره‌ای اسباب اشاره شده است. مثلاً شهید صدر هشت سبب^۵، پدر شیخ بهایی هفت مورد^۶ و آیت الله سیستانی حدود ده مورد^۷ را ذکر کرده‌اند و مشترکات و مکررات در این موارد به چشم می‌خورد.

۸. المبادئ الكلامية لمختلف الحديث؛ این قسمت به این پرسش پاسخ می‌دهد: با توجه به مقام عصمت پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) آیا امکان پیدایش اختلاف میان سخنان آنها معقول و متصور است؟

۹. مبانی علاج الاختلاف؛ جهت رفع اختلاف، روشهایی وجود دارد. نظر به نگارش این اثر با نگاه حدیث پژوهانه، نویسنده اظهار می‌دارد که علاوه بر به کارگیری منهج علمی اثباتی که در فقه و دیگر دانشهای کاربردی به کار گرفته می‌شود، منهج علمی ثبوتی را نیز - که رویکرد علمی محض و حقیقت یاب است - در این پژوهش به کار خواهد گرفت؛ سپس ماهیت و ویژگیهای هر دو منهج علاج را بیان می‌دارد.

۱۰. منهجنا في الكتاب؛ در اینجا نیز شیوه‌ها و توضیحات لازم مربوط به مراحل تحقیق، بیان شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گذری در بخشهای پنج گانه کتاب:

القسم الأول: عوارض التحديث

غرض از عوارض تحديث، اسباب و عوارضی است که به عمل راویان یا مراحل نقل حدیث مربوط می‌شود، خواه عمدی باشد یا سهوی یا ...

۴. ر. ک: مقدمه، ص ۲۶-۳۰.

۵. ر. ک: بحوث في علم الاصول، ج ۷، ص ۲۹-۴۱.

۶. ر. ک: وصول الاخبار الى اصول الاخبار، ص ۱۶۶.

۷. ر. ک: الرافد في علم الاصول، ص ۲۱۷.

این بخش مشتمل بر شانزده سبب از اسباب اختلاف حدیث است: الاختلال في النقل بالمعنى، تلخيص المتن، التقطيع المخلّ، التخليط في المتن، الخلط بين كلام المعصوم وكلام غيره، السقط والنقيصة، الزيادة، الإدراج في المتن أو الإسناد، إصلاح الراوي، شرح الراوي، قلّة ثقافة الراوي، ضياع القرائن، القلب، التصحيف في المتن، التحريف في المتن، الوضع والدرس.

گزیده یک نمونه: اوّلین سبب در این بخش، بلکه در کتاب، نقل به معنا است. (ص ۵۱) رعایت نکردن اصول صحیح نقل به معنا علت اختلال در پاره ای اخبار و به دنبال آن تعارض است. این امر از مهم ترین عوامل اختلاف به شمار می رود.

مثال: الف) قلت له (لأبي عبد الله ع): رجل اشترى داراً فبقيت عرصة، فبناها بيت غلّة، أيوقفه على المسجد؟ فقال: إنّ المجوس أوقفوا على بيت النار.^۸
ب) سئل الصادق ع) عن الوقوف على المساجد، فقال: لا يجوز، فإنّ المجوس أوقفوا على بيوت النار.^۹

مورد اختلاف: مقتضای حدیث اوّل - که عمومات و اطلاقات ابواب وقف آن را تأیید می کند - جواز وقف بر مساجد است اما حدیث دوم دلالت بر عدم جواز دارد.

علاج اختلاف: دقت در دو روایت و مقایسه آنها نشان می دهد که هر دو در اصل یک روایتند؛ لیکن روایت دوم نقل به معنا شده است. در روایت اوّل امام خواسته، بفرماید: مجوس اموالی را وقف آتشکده می کنند، به طریق اولی وقف بر مساجد جایز است، اما راوی حدیث دوم پنداشته است که امام این کار را از مصادیق تشبّه به کفار و مجوسیان دانسته و از آن نهی می کند؛ لذا «لا» در «لايجوز» را بدان افزوده است.

مؤلف علاوه بر بیان دو صفحه در علاج احادیث این مثال، مباحث تحلیلی ای در ماهیت و شؤون نقل به معنا دارد.

۸. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۱۸۵، ح ۶۴۸؛ علل الشرائع، ص ۳۱۹، ح ۱؛ تهذيب الاحكام، ج ۹، ص ۱۵۰، ح ۶۱۱.

۹. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۱۵۴، ح ۷۲۰؛ وسائل الشيعه، ج ۵، ص ۲۹۱، ح ۶۵۷۸.

القسم الثاني : في مقتضيات محيط التشريع والتقنين

در این بخش نیز شانزده عامل تنافی احادیث را که از لوازم مقام قانون گذاری و تشريع هستند، به بحث و بررسی می گذارد: الحكومة، العموم والخصوص، خفاء التخصص، تقييد الإطلاق، الإهمال الموهم للإطلاق، الترخيص في التكليف، التخيير الفقهي، الاختلاف بالإرشاد والمولوية، تعدد مراتب التكليف، تفاضل المكلفين، تنوع الجزاءات، تشكيكية العناوين، التدرج في التشريع، التدرج في بيان الشريعة، النسخ في الأحاديث، البداء.

گزیده یک نمونه: یکی از اسباب در این بخش، اختلاف به سبب حکومت برخی از دلایل شرعی بر دیگری است (ص ۱۶۱) و هر کدام دارای لوازم و ویژگیهای مخصوص به خود است.

مثال: الف) عن عمر بن يزيد، عن أبي عبد الله (ع): يا عمر، قد أحلّ الله البيع وحرّم الربا، بيع واربح ولا تُرب. قلت: وما الربا؟ قال: درهم بدرهم، مثلين بمثل، وحنطة بحنطة مثلين بمثل.^{۱۰}

ب) قال رسول الله (ع): ليس بيننا وبين أهل حربنا ربا، نأخذ منهم ألف درهم بدرهم، ونأخذ منهم ولا نعطيهم.^{۱۱}

ج) قال الصادق (ع): ليس بين المسلم وبين الذمي ربا، ولا بين المرأة وبين زوجها ربا.^{۱۲}

مورد اختلاف: حدیث اول دلالت بر حرمت ربا می کند؛ یعنی هر بیع یا قرض مبنی بر دریافت زیادی، حرام است. اطلاق آن شامل ربای همسر و فرزند و کافر ذمی و حربی و

۱۰. تهذیب الأحكام: ج ۷، ص ۱۸، ح ۷۸؛ الاستبصار: ج ۳، ص ۷۲، ح ۲۳۸؛ من لایحضره الفقیه:

ج ۳، ص ۱۷۶، ح ۷۹۳، وسائل الشیعه: ج ۱۸، ص ۱۳۳، ح ۲۳۳۱۴.

۱۱. الکافی: ج ۵، ص ۱۴۷، ح ۲؛ تهذیب الأحكام: ج ۷، ص ۱۸، ح ۷۷؛ من لایحضره الفقیه: ج ۳،

ص ۱۷۶، ح ۷۹۰؛ وسائل الشیعه: ج ۱۸، ص ۱۳۵، ح ۲۳۳۲۰.

۱۲. من لایحضره الفقیه: ج ۳، ص ۱۷۶، ح ۷۹۲؛ وسائل الشیعه: ج ۱۸، ص ۱۳۶، ح ۲۳۳۲۳.

جز اینها می شود؛ با اینکه حدیث دوم دلالت دارد بر عدم حرمت ربا در معامله با کافران حربی. حدیث سوم نیز دلالت دارد بر ربا نبودن زیادای ای که مسلمان از ذمی می گیرد. به عبارت دیگر نفی حکم ربا با زبان نفی موضوع آن است.

علاج اختلاف: حدیث اول دلالت بر حرمت ربا می کند و اطلاق آن هر فرد از مصادیق ربا را نیز شامل می گردد؛ لیکن دو حدیث اخیر دایره عنوان ربا را از نظر مفهومی تضییق می کند و مواردی چون اخذ ربای مسلمان از کافر و ربا بین پدر و فرزند و ربا بین زن و مرد را تعبیراً از موضوع ربا بیرون می شمارد. به عبارت دیگر دو دلیل اخیر حاکم بر حدیث نخست هستند و بدان نظر دارند و در دایره انطباق عنوان موضوع بر افرادش به صورت تنزیل و تعبد، تصرف می کنند.

ذیل همین مثال و دیگر مثالها توضیحات مفصلی آمده، لیکن جهت پرهیز از اطاله مقال، از ذکر آنها خودداری می کنیم. و نیز در پایان، بحثی با عنوان «عدم کون الورد من اسباب الاختلاف» مطرح است.

القسم الثالث: مقتضیات اسالیب التعبير

عُقلاً و عرف عرب بر اساس حالات و مقامهای مختلف، اسالیب متنوعی را در مقام گویش به کار می گیرند. گاهی اختلاف در اسلوبها و گونه های ترکیبی کلام سبب بروز تنافی میان احادیث می گردد. به دلیل فراوانی عوامل مربوط به این بخش، نویسنده ناچار به گزینش شده و بر این باور است که خواننده با آگاهی و ممارست با این موارد، بصیرتی می یابد که می تواند موارد دیگر را نیز حل کند.

پس از بحثی تمهیدی، این اسباب را مورد بحث قرار می دهد: تاویل المتشابه، التعبير عن الشيء بالعناوين المشيرة إليه، التسامح العرفی، تشابه المتعدّدات، تقدیر القيود، الاستعداد والفعلية، أفراد المقتضي أو المانع بالذكر، اختلاف الرؤية التوحيدية والعادية، تفاوت الاعتبار، العام المراد به الخاص، مجازاة الخصم على مسلماته، اختلاف مقامات الكلام، تكليم المُخاطب على لهجته ولغته، تكليم المخاطبين على قدر عقولهم.

سپس در فصلی با عنوان «تعدد المعانی» از این اسباب بحث می‌کند: الاشتراك اللفظی، الاشتراك المعنوی، الاختلاف بالحقیقة الشرعیة واللغویة، المجاز المرسل، المجاز العقلي، الاستعارة، الكناية.

آن‌گاه فصل «استعمال المحسنات البديعية» را می‌گشاید و این اسباب را ذکر می‌کند: التورية، التوجيه، التلميح، الاستخدام، المشاكلة، التهكم والتلميح، الإنكار.

گزیده یک نمونه: یکی از اسباب اختلاف در این بخش، «تسامح عرفی» است (ص ۲۸۶). گاهی در نصوص، کمیت یا کیفیت موضوع احکام، به صورت گونه‌گون تعیین می‌شود، لیکن قرائن و شواهدی حاکی از این است که چون معصوم در مقام گویش با مردم با زبان عرف خود آنان سخن می‌گفتند، با اهدافی چون تسهیل فهم یا سنجش فهم آنان، بسا همانند خودشان از عناوین و تعبیراتی مبنی بر تسامح عرفی بهره می‌گرفتند و این نوع روایات با روایاتی که ناظر به تدقیق در ضبط حدود و عناوین موضوعات در احکامند، تنافی پیدا می‌کنند و فقیه با به کارگیری اصول و قواعد فنی، وجه جمع میان آنها را می‌یابد.

راه دقیق آن است که اقل، تمام موضوع است و نصوص بیشتر یا حمل بر تسامح در تعیین حدود می‌شوند (بدون استحباب) یا حمل بر استحباب نفسی می‌شوند یا از باب مقدمه علمی اند.

مثال: (الف) عن إسماعيل بن جابر، قال: قلت لأبي عبد الله (ع): الماء الذي لا ينجسه شيء؟ قال: ذراعان عمقه، في ذراع وشبر سعتة.^{۱۳}

(ب) عن أبي عبد الله (ع) قال: إذا كان الماء في الركي كراً لم ينجسه شيء. قلت: وكم الكر؟ قال: ثلاثة أشبار ونصف عمقها، في ثلاثة أشبار ونصف عرضها.^{۱۴}

(ج) روي أن الكر ما يكون ثلاثة أشبار طولاً في ثلاثة أشبار عرضاً، في ثلاثة أشبار عمقاً.^{۱۵}

۱۳. تهذيب الاحكام، ج ۱، ص ۴۱، ح ۱۱۴؛ الاستبصار، ج ۱، ص ۱۰، ح ۱۲.

۱۴. الكافي: ج ۳، ص ۲، ح ۴؛ تهذيب الاحكام، ج ۱، ص ۴۰۸، ح ۱۲۸۲.

۱۵. ر. ك: امالی شيخ صدوق، ص ۷۴۴، ح ۱۰۰۶؛ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۶۵، ح ۴۰۹.

د) عن إسماعيل بن جابر، قال: سألت أبا عبد الله (ع) عن الماء الذي لا ينجسه شيء؟ فقال: كره. قلت: وما الكره؟ قال: ثلاثة أشبار في ثلاثة أشبار. ۱۶

مورد اختلاف: مکعب اندازه های آب کر که از این احادیث به دست می آید، به مقیاس وجب به ترتیب عبارتند از: ۲۸/۲۶ وجب، قدری کمتر از ۳۳/۶۶ وجب، ۲۷ وجب، ۲۷ وجب با فرض مکعب بودن ظرف و کمی کمتر از ۲۱/۲ وجب در فرض استوانه ای بودن ظرف.

علاج اختلاف: مؤلف مباحث فقهی و فقه الحدیثی و موضوعی مبسوطی در تحقیق این مقال و تبیین هر حدیث آورده که نقل آنها در ظرف مقاله نمی گنجد. لیکن نتیجه را می توان بدین نحو منعکس ساخت:

اندازه های مذکور در سه حدیث نخست مشیر و معرف عنوان اصلی موضوع هستند و آن مقدار حجم از آب است که در مقیاس رطل عراقی به ۱۲۰۰ رطل برسد. بنا بر این اختلاف با سایر روایات متفاوت در تعیین مقدار رطل نیز حل می شود.

در مقام تحقیق و مقایسه ۱۲۰۰ رطل عراقی با اندازه مکعب حجم آب به وجب، عدد ۲۷ وجب مساوی ۱۲۰۰ رطل می باشد، پس این عنوان از عناوین مشیر دقیق و معرف عنوان اصلی موضوع حکم است. دو عدد دیگر از اندازه های سه حدیث نخست که کمی بیشترند در عین این که مبنی بر تسامح عرفی هستند، مقدار اضافی آنها حمل بر استحباب یا احتیاط و رعایت مقدمه علمی می شوند.

روایت اخیر، چون اندازه حجم آب، در فرض مکعب بودن ظرف عدد ۲۷ وجب و در فرض استوانه ای بودنش حدود ۲۱ وجب خواهد بود، احتمال استوانه ای بودن ظرف منتفی خواهد بود، هم به دلیل تفاوت فاحش آن با اندازه های مکعب به وجب در سایر روایات و هم به لحاظ تفاوت فاحش آن با روایات تحدید کر به میزان ۱۲۰۰ رطل عراقی. بنا بر این، فرض مکعب بودن ظرف ملحوظ در اندازه مذکور در این حدیث به قرائن یاد شده و به لحاظ تساوی آن با اندازه حدیث سوم و حدیث تحدید به آرطال متعین خواهد بود.

۱۶. الکافی: ج ۳، ص ۳، ح ۷؛ تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۱، ح ۱۱۵ و ص ۳۷، ح ۱۰۱.

القسم الرابع: مقتضيات تغيير الظروف

همچنان که عنصر زمان و مکان و به طور کلی ظروف و شرایط در اجتهاد نقش پررنگ و غیر قابل اغماضی دارند؛ در حدیث پژوهی و در زبان گویش و صدور حدیث و فهم آن نیز جایگاه شایان توجهی دارند؛ زیرا بسا موجب پیدایش تنافی صوری در مفاد احادیث می گردند. مؤلف این بخش را در دو فصل سامان داده است. در فصل اول (تحوّل الظروف و تطوّرها) نخست با طرح مباحثی فنی از این عناوین بحث می کند: المراد بالزمان والمكان، الثبات في القضايا العقائدية، العناصر المتغيرة في مختلف الظروف، ثبات الشريعة وتبدل الأحكام، تحريف نظرية دور الزمان والمكان.

در ضمن، تحریف و سوء استفاده برخی التقاطگرایان را از سخن امام خمینی در این باره، مورد توجه قرار می دهد. سپس از اسباب اختلاف با عناوین سه گانه بحث می کند: تغییر الزمان و تطوره، الاختلاف بالمكان، اختلاف الطباع.

در فصل دوم (العناوين الثانوية) نخست به تحقیق در این مباحث می پردازد: تعريف العناوين الأولية والثانوية، صور المطاردة بين العناوين، صورة التنافي بين العناوين الأولية والثانوية، التنويه على رؤوس مجموعة كبيرة من العناوين الثانوية.

آن گاه نشان می دهد که گاهی در ظاهر میان دو روایت، تعارض به چشم می خورد، در حالی که منشا اختلاف، ناظر بودن یکی از آنها به حکم اولی است و دیگری به حکم ثانوی. از اسباب اختلاف با این عناوین بحث می کند: التقيّة، الضرورة والاضطرار.

گزیده یک نمونه: در دومین سبب با عنوان «الاختلاف بالمكان» (ص ۴۳۸) به این امر می پردازد که در روایات، به لحاظ اختلاف مکانها چگونه اختلاف صوری پدید می آید.

مثال: الف) عن أبي عبد الله (ع): الدبة عشرة آلاف درهم، أو ألف دينار.^{۱۷}

ب) عن أبي بصير قال: دية الرجل مئة من الإبل، فإن لم يكن فمن البقر بقيمة ذلك، وإن لم يكن فالف كبش، هذا في العمد، وفي الخطأ مثل العمد ألف شاة مخلّطة.^{۱۸}

۱۷. الكافي، ج ۷، ص ۲۸۱، ح ۴۵؛ وسائل الشيعه، ج ۲۹، ص ۱۹۵، ح ۳۵۴۳۱.

۱۸. تهذيب الاحكام، ج ۱۰، ص ۱۶۱، ح ۶۴۴؛ وسائل الشيعه، ج ۲۹، ص ۱۹۷، ح ۳۵۴۳۸.

در حدیث اول با درهم و دینار تعیین دیه شده اما در حدیث دوم با حیوان. این روایات حمل بر اختلاف در مکان می شوند. شاهد آن روایت زیر است:

عن أبي عبد الله (ع): الدية اثنا عشر ألفاً، أو ألف دينار، أو مئة من الإبل، وإن كان في أرض فيها الدنانير فالألف دينار، وإن كان في أرض فيها الإبل فمئة من الإبل، وإن كان في أرض فيها الدراهم فدراهم بحساب ذلك^{۱۹} اثنا عشر ألفاً.^{۲۰}

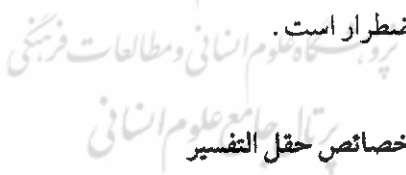
گزیده یک نمونه: یکی از اسباب در این فصل، ضرورت و اضطرار است (ص ۴۶۰). ضرورت و اضطرار از عنوانهای ثانویه ای هستند که گاه موجب اختلاف در روایات می شوند.

مثال: الف) عن الحلبي: سألت أبا عبد الله (ع) عن دواء يعجن بالخمير لا يجوز أن يعجن بغيره، إنما هو اضطرار. فقال: لا والله، لا يحل للمسلم أن ينظر إليه، فكيف يتداوى به؟!^{۲۱}

ب) عن أبي عبد الله (ع): المضطر لا يشرب الخمر لأنها لا تزيد إلا شراً...^{۲۲}
ج) أنه (عمار) سأله (أبا عبد الله (ع)) عن الرجل أصابه عطش حتى خاف على نفسه، فاصاب خمراً. قال: يشرب منه قوته.^{۲۳}

مورد اختلاف: براساس دو حدیث اول، استفاده از خمر در حال اضطرار جایز نیست اما طبق روایت سوم، جایز است.

علاج اختلاف: دو حدیث نخست مربوط به شرایط اضطرار عادی است اما حدیث اخیر مربوط به شدت اضطرار است.



القسم الخامس: خصائص حقل التفسير

یکی از مهم ترین عرصه های اختلاف حدیث، تفسیر است. نویسنده پیش از بیان اسباب، به چند امر پرداخته است: تعریف حدیث تفسیری، جایگاه اهل بیت (ع) در تفسیر، گوشه ای از روش اهل بیت در تفسیر، تصویر اجمالی بحث.

- ۱۹. کلمه «ذلک» در نسخه موجود از تهذیب نیست و از وسائل الشیعه اضافه شده است.
- ۲۰. تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۱۵۹، ح ۶۳۸؛ وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۱۹۶، ح ۳۵۴۳۵.
- ۲۱. طب الائمه، ص ۶۲؛ وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۳۴۴، ح ۳۲۰۹۰.
- ۲۲. علل الشرائع، ص ۴۷۸، ح ۱؛ وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۳۷۸، ح ۳۲۱۷۲.
- ۲۳. تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۱۱۶، ح ۵۰۲؛ وسائل الشیعه، ج ۲۵، ص ۳۷۸، ح ۳۲۱۷۰.

سپس با تذکر این نکته که عمده عوامل اختلاف در بخشهای گذشته، در عرصه تفسیر نیز می‌توانند جاری باشند؛ پانزده سبب را که عمدتاً در عرصه تفسیر موجب اختلاف حدیث می‌گردند، در دو فصل به بحث می‌گذارد. در فصل اول (ما یرجع إلى النزول) اسباب مربوط به شؤون نزول مورد بحث قرار گرفته است: استتباع وقائع متعاقبة لنزول آیه واحده، تشطیر الآیه فی النزول، تکرر النزول، اختلاف الاصطلاحات، افراد بعض المنزک فیهم بالذکر، تأخر زمان الإبلاغ عن النزول، التباس موارد الجری والتطبیق بموارد النزول، إرادة المعنی الظاهر والباطن.

در فصل دوم (ما یرجع إلى التفسیر أو التاویل) پس از تبیین پاره‌ای اصطلاحات تفسیری و علوم قرآنی، از اسباب اختلاف مربوط به احادیث تفسیری و تأویلی، بحث می‌کند: القراءة التفسیریة، التفسیر بالمصادیق المتعدّدة، إضافة الحصر والنفي، التفسیر بلوازم المعنی وملابساته، التفسیر بالمعانی المتعدّدة، التفسیر المبني على الاشتقاق، التاویل أو التفسیر بالبطون.

گزیده یک نمونه: یکی از اسباب اختلاف، احادیث متضمن قرائتهای تفسیری است (ص ۵۲۱). گاهی معصومان: جهت تفسیر، به تغییر و جایگزینی کلمه یا کلماتی از آیه، یا ممزوج نمودن عبارت آیه به واژگانی توضیحی یا ممزوج نمودن عبارات مربوط به چند آیه مشابه، برای تلمیح به معنای هر چند آیه به وجه اختصار، بسنده می‌کردند. این شیوه تفسیر که با قرائت آیه به وجه تفسیرگونه انجام می‌گرفت، بسا موجب پیدایش تنافی صوری میان احادیث می‌شد.

مثال: (الف) قال أبو عبد الله (ع) في قول الله تعالى: (اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكُوَةٍ)^{۲۴}: فاطمة (ع) (فِيهَا مِصْبَاحُ) الْحَسَنِ (الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ) الْحَسِينِ (الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ) فاطمة؛ كوكب دري بين نساء أهل الدنيا، (يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ) إبراهيم (ع) (زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ) لا يهودية ولا نصرانية (يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ) يكاد العلم ينفجر بها (وَلَوْ كُمْ تَمَسَّسَهُ نَارُ نُورٍ عَلَى نُورٍ) إمام منها بعد إمام (يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ) يهدي الله للأئمة من يشاء (وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ لِلنَّاسِ)^{۲۵}.

۲۴. سورة نور، آیه ۳۵.

۲۵. الكافي، ج ۱، ص ۱۹۵، ح ۵.

ب) عن علي بن الحسين (ع): مثلنا في كتاب الله كمثل مشكاة، فنحن المشكاة والمشكاة:
 الكوة (فيها مصباح) و (المصباح في زجاجة) و (الزجاجة) محمد (ع) كانه (كوكب دري يو قد
 من شجرة مباركة) قال: علي (ع) (زيتونه لا شرقية ولا غربية يكاد زيتها يضيء ولو لم تمسه
 نار نور على نور) القرآن (يهدي الله لنوره من يشاء) يهدي لولايتنا من احب. ٢٦

ج) عن الفضيل بن يسار: قلت لابي عبدالله الصادق (ع): (الله نور السموات والارض)؟
 قال: كذلك الله. قال: قلت: (مثل نوره)؟ قال: محمد (ص). قلت: (كمشكوة)؟ قال: صدر
 محمد (ص). قال: قلت: (فيها مصباح)؟ قال: فيه نور العلم؛ يعني النبوة. قلت: (المصباح
 في زجاجة)؟ قال: علم رسول الله (ص) صدر إلى قلب علي (ع). قلت: (كأنها)؟ قال: لاي
 شيء تقرا (كأنها)؟ قلت: كيف جعلت فداك؟ قال: كانه (كوكب دري) ... ٢٧
 مورد اختلاف: «كأنها كوكب دري» در روايت اول با ضمير مؤنث است؛ اما در دو
 روايت بعد مذكر است.

علاج اختلاف: دو حديث «ب» و «ج» بر قرائت آيه به وجه تفسيري حمل می شوند.
 حديث اول «الزجاجة» را بر فاطمه (ع) تاويل می نمايد و ضمير را مؤنث می آورد؛ اما در
 رواياتی كه «الزجاجة» به «محمد (ص)» يا قلب او تفسير می شود، ضمير مذكر است.
 نويسنده در خلال مباحث مربوط به اين سبب، شواهدی بر اثبات مدعا می آورد.
 مؤلف در پايان، بحثی با عنوان «بعض القواعد العامة في التاويل والتفسير بالبطون»
 می گشايد و به اين مباحث می پردازد:

١. الاعتماد على السعة الدلالية للألفاظ وأنواع الدلالات
٢. اشتراك المتماثلين والمتسانخين فيما نزل في بعضهم
٣. الراضي بفعال قوم كواحد منهم
٤. مشاركة أئمة كل من المكارم والمعاصي في أحكامهما

٢٦. تاويل الآيات الظاهرة، ج ١، ص ٣٥٩، ح ٥؛ بحار الانوار، ج ٢٣، ص ٣١١، ح ١٦.
 ٢٧. التوحيد، ص ١٥٧، ح ٣؛ بحار الانوار، ج ٢٣، ص ٣٠٦، ح ٣.

۵. اسناد بعض ما للأولياء إلى ذاته سبحانه تشریفاً لهم

۶. وصل المنفصل وفصل المتصل

۷. وضع الالفاظ بإزاء معانٍ أُخرى أو علوية

پیشنهادها

یک: در جای جای کتاب - در تبیین موضوع یا مثالها یا در تذیل مباحث با عناوینی ویژه به تناسب فواید سودمندی آمده؛ اما چون بحث کتاب در مورد احادیث متنافی است، نویسنده به صورت گذرا از آنها گذشته است. اگر وی آنها را پرورش دهد، هر کدام مقاله ای مستقل و سودمند در عرصه فقه و حدیث پژوهی خواهند بود. به عنوان نمونه، تنها به ذکر قسمتی از آنها که در بخش پنجم آمده، بسنده می کنیم:

فریده ناضرة في تفسير الكوثر بمولاتنا فاطمة (س)، تحقیق في حقيقة الجري، تفسیر النحر في سورة الكوثر، تعریف الاشتقاق، أقسام الاشتقاق، هل الاشتقاق مطرد أو مقيس أم لا، موارد من تفسیر السنة على الاشتقاق، حقيقة التأويل في الأحاديث.

دو: ترجمه و تلخیص کتاب برای آنان که با زبان عربی آشنایی کافی ندارند، سودمند خواهد بود.

سه: بسیاری از نویسندگان، پس از چاپ کتابشان، از ادامه تحقیق در آن عرصه و جمع آوری اطلاعات جدید و بازنویسی دست برمی دارند، در حالی که هر نویسنده با نگارش کتاب خویش، از تخصص بالاتری برخوردار شده و نسبت به مطالب مشابه، حساسیت بیشتری پیدا می کند. بنا بر این، باید پس از نشر کتاب نیز در پی تکمیل اثر بود. لازم است نویسنده محترم این کتاب نیز همواره در فکر تکامل این اثر باشد.

چهار: روش کتاب به این صورت است که پس از ذکر مثال برای اسباب، ذیل «مورد الاختلاف» و «علاج الاختلاف» توضیحات لازم آمده است. نظر به تکرار این دو تعبیر در همه جا، ذکر آنها در فهرست تفصیلی پس از بیان عنوان مثال، لزومی ندارد و سبب طولانی شدن فهرست شده است. حذف آنها، حجم فهرست را از ۲۸ صفحه به نصف، تقلیل می دهد.